Vol. 6, Issue 3, Serial Number 23, 2026, pp. 5-27

Semnan University

Journal of Applied Arts

Journal Homepage: https://aaj.semnan.ac.ir
ISSN: 2821-0670

Scientific– Research Article

A Study of the Chador and the Importance of Its Depiction in Paintings From the 10th Century AH

Shamim Nottagh [1], Saharnaz Mohammad Bagheri [2], Azita Belali Oskoui [3] (Corresponding Author)

[1] Ph.D. Student, Department of Islamic Architecture, Faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

[2] Master's Degree Graduate, Department of Islamic Architecture, Faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

[3] Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

(Received: 16.05.2025, Revised: 15.08.2025, Accepted: 21.09.2025)

https://doi.org/10.22075/aaj.2025.37775.1364

Abstract

Nomadism is a way of social life that is specific to nomadic societies; people who pursue their lifestyle by constantly moving from one place to another. Meanwhile, housing, as a vital link between humans and the environment, has always had a special place in the culture and needs of this group. The shelter of these tribes, known by titles such as chador or tent, as a temporary, portable and fully functional structure, has played a fundamental role in meeting their biological needs from ancient times to the present day. Also, the diverse representation of this element in Iranian paintings undoubtedly indicates its importance and high value in the history of art and culture of this land. The purpose of this research is to investigate the type, variety of designs and colors in illustrated tents, whether they are functional or decorative in the paintings, considering the type of depiction of each of these examples in relation to other visual elements, as well as the evolution of tents in terms of design and color in the paintings, and to answer the questions of how the geometric structure and basic components of illustrated tents are represented in historical paintings? What are the characteristics of the variety of designs and colors used in tents? What are the characteristics of tents in terms of the type of use in paintings and how they are used? What is the actual type of tents (functional or decorative)? Which is answered by the descriptive-analytical method of paintings. The method of collecting documentary information. The statistical population includes 27 paintings from three books: Haft Aurang Jami, Shahnameh Shah Tahmasp, and Nasuh Motraqchi. A study of the paintings shows that tents were mainly used as temporary shelters, although in some cases they were also used with symbolic designs to show the status and superiority of the tent owner. According to what emerges from the paintings, tents often had a practical aspect and were used as temporary shelters, although in some cases they were displayed for decoration or to refer to a specific issue, such as the superiority and importance of the person to whom the tent belongs, and were displayed symbolically and with specific designs. Finally, according to the studies conducted, it can be acknowledged that the tent and the tent in Iranian culture and art have a rich and multifaceted history in terms of design, color, and type of use. Today, by recognizing their aesthetic elements as well as other practical and decorative aspects, not only can we help better understand the history of traditional Iranian art and architecture, but it can also inspire the creation of new ideas and the development of modern living environments with practical and aesthetic capabilities.

Keywords: Painting, Tent, Camp, Nomadic Life.

1- Email: sh.netagh@tabriziau.ac.ir
2- Email: sa.mohammadbagheri@tabriziau.ac.ir
3- Email: a.oskoyi@tabriziau.ac.ir

How to cite: Nottagh, S.h.; Mohammad Bagheri, S. and Belali Oskoui, A. (2026). A Study of the Chador and the Importance of Its Depiction in Paintings From the 10th Century AH, *Journal of Applied Arts*, 6(3), 5-27.
Doi: 10.22075/aaj.2025.37775.1364

© 2026 The Author(s). Journal of Applied Arts is published by Semnan University Press. This is an open-access article under the CC-BY 4.0 license. (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)

مقاله علمی- پژوهشی

بررسی چادر و اهمیت ترسیم آن در نگاره‌های سده ده هجری قمری

شمیم نطاق [۱]
سحرناز محمدباقری [۲]
آزیتا بلالی‌اسکویی (نویسنده مسئول) [۳]

[۱] دانشجوی دکتری، گروه معماری اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.
[۲] دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد، گروه معماری اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.
[۳] استاد، گروه معماری و شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۲۶، تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۵/۲۴، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۰۶/۳۰)

https://doi.org/10.22075/aaj.2025.37775.1364

چکیده

چادرنشینی، شیوه‌ای از زندگی اجتماعی است که مختص جوامع کوچنشین می‌باشد؛ افرادی که با جابه‌جایی مستمر از مکانی به مکانی دیگر، سبک زندگی خود را پی می‌گیرند. در این میان، مسکن به‌عنوان پیوندی حیاتی میان انسان و محیط‌زیست، همواره جایگاهی ویژه در فرهنگ و نیازهای این گروه داشته‌است. سرپناه این اقوام که با عناوینی چون چادر یا خیمه شناخته می‌شود، به‌عنوان ساختاری موقت، قابل حمل و کاملاً کاربردی، از دیرباز تا به امروز، نقشی اساسی در تأمین نیازهای زیستی آن‌ها ایفاء کرده‌است. همچنین، بازنمایی متنوع این عنصر در نگاره‌های ایرانی، بی‌تردید گویای اهمیت و ارزش والای آن در تاریخ هنر و فرهنگ این سرزمین است. هدف از این پژوهش بررسی نوع، تنوع طرح و رنگ در چادرهای مصور، کاربردی یا تزیینی بودن انواع چادر در نگاره‌ها با توجه به نوع تصویرپردازی هر یک از این نمونه‌ها در ارتباط با سایر عناصر تصویری و نیز سیر تحول چادرها از نظر طرح و رنگ در نگاره‌ها است و به سؤال‌های ساختار هندسی و اجزای بنیادین چادرهای مصور در نگاره‌های تاریخی چگونه بازنمایی شده‌اند؟ تنوع طرح‌ها و رنگ‌های به‌کاررفته در چادرها چه ویژگی‌هایی دارد؟ ویژگی چادرها از نظر نوع استفاده در نگاره‌ها و نحوه استفاده نوع واقعی چادرها چگونه است (کاربردی یا تزیینی)؟ که با روش توصیفی-تحلیلی نگاره‌ها به آن پاسخ داده می‌شود. شیوه جمع‌آوری اطلاعات اسنادی است. جامعه آماری شامل ۲۷ نگاره از سه کتاب هفت اورنگ جامی، شاهنامه شاه طهماسب، نصوح مطراقچی است. بررسی نگاره‌ها نشان می‌دهد که چادرها عمدتاً به‌عنوان سرپناه‌های موقت کاربرد داشته‌اند، هر چند در برخی موارد با طراحی‌های نمادین برای نمایش جایگاه و برتری فرد صاحب چادر نیز به‌کاررفته‌اند. نتایج پژوهش حاکی از پیشینه غنی و چندجانبه چادر و خیمه‌گاه در فرهنگ و هنر ایرانی از لحاظ طرح، رنگ و کاربرد است که شناخت عمیق‌تر آن‌ها می‌تواند ضمن ارتقاء فهم تاریخ هنر و معماری سنتی، زمینه‌ساز خلق ایده‌های نوین در طراحی محیط‌های زیستی مدرن با کارکردهای زیبایی‌شناختی و کاربردی باشد.

واژه‌های کلیدی: نگارگری، چادر، خیمه‌گاه، کوچنشینی.

1- Email: sh.netagh@tabriziau.ac.ir
2- Email: sa.mohammadbagheri@tabriziau.ac.ir
3- Email: a.oskoyi@tabriziau.ac.ir

شیوه ارجاع به این مقاله: نطاق، شمیم؛ محمدباقری، سحرناز و بلالی‌اسکویی، آزیتا. (۱۴۰۵). بررسی چادر و اهمیت ترسیم آن در نگاره‌های سده ده هجری قمری، *نشریه هنرهای کاربردی*، ۶(۳)، ۲۷-۵.

Doi: 10.22075/aaj.2025.37775.1364

© 2026 The Author(s). Journal of Applied Arts is published by Semnan University Press. This is an open-access article under the CC-BY 4.0 license. (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)

مقدمه

نگارگری بخشی از فرهنگ تصویری این مرزبوم است که دارای ویژگی‌هایی است: رعایت نکردن اصول هندسه و حجم‌پردازی و سایه- روشن جدا نکردن فضاهای مثبت و منفی توجه به رنگ‌ها و همچنین از منظر مفهومی و استعاری این آثار بیشتر دارای اطلاعات نهفته و نمایش اساطیری از فرهنگ و تفکر ایرانی است. تصویرپردازی سکونتگاه‌ها در هنر نگارگری ایرانی همواره مورد توجه بوده به‌گونه‌ای که در اغلب نسخه‌های نگارگری، معماری بناها چنان حائز اهمیت بوده که به بیان تصویری جزئیات آن نیز پرداخته شده‌است. در این میان چادر نیز به‌عنوان یک سرپناه و سکونتگاه موقت، قدمتی بیشتر از بناهای ساختمانی دارد و به‌دلیل ویژگی‌های خاصش، کاربرد فراوانی داشته؛ چنان که به استناد اغلب نگاره‌ها، تصویرپردازی چادر به‌شیوه‌های گوناگون انجام شده‌است و این مسئله نشان دهنده اهمیت و کاربردی بودن این عنصر در زمان‌های مختلف بوده‌است.

چادر در سیر تکاملی خود ابتدا به‌عنوان سرپناه بوده که بعدها جنبه تجملی و تفریحی یافته و از ویژگی‌های کاربردی آن کاسته شده؛ مسکن قابل حمل‌ونقلی که تا به امروز کاربرد داشته و دارد اما متأسفانه امروزه در خیلی از مناطق به‌ویژه مناطق عشایرنشین، که عمده‌ترین به‌کارگیرندگان انواع چادر هستند با توجه به روند گرایش به یک‌جانشینی و حذف یا عدم کاربرد چادر چون گذشته، موجب شده چادر و چادرنشینی که انواع هنرها را در خود جای داده به‌ورطه فراموشی سپرده شود به‌طوری‌که دیگر حتی نحوه برپا کردن چادر که همواره با آداب و رسوم خاصی همراه بود از یاد رفته و فقط به‌صورت خیلی ساده و نه چندان مهم در جهت ساخت سرپناهی موقت به‌کاررود بدون این‌که دیگر به همه آن مواردی که در نیازمندی و زیبایی‌شناسی به این سرپناه ساده ولی مناسب مورد توجه بود، اهمیتی داده شود.

این مقاله بر آن است تا با بررسی موضوع مورد نظر، بر اساس روش توصیفی- تحلیلی به جنبه‌های مختلف آن از نظر طرح و رنگ و سیر تحول نمونه‌های مصور در نگاره‌ها بپردازد. مباحثی مانند: ساختار چادر و آن‌چه که در نگاره‌ها دیده شده را از نظر عناصر بنیادی (اجزای سازنده) و ساختار هندسی، مورد تجزیه و تحلیل قرار داده، انواع چادر در نگاره‌های مختلف و همچنین، رنگ و تزیینات به‌کاررفته در چادرهای مصور طبق مستندات تاریخی توضیح داده شده‌است. در نهایت سیر تحول چادر و خیمه‌گاه در هنر نگارگری ایران مورد بررسی قرار گرفته که در پایان نیز به یک نتیجه‌گیری کلی از مباحث مطروحه در مقاله، پرداخته شده‌است. در این راستا سؤال‌های پژوهش شامل: ساختار هندسی و اجزای بنیادین چادرهای مصور در نگاره‌های تاریخی چگونه بازنمایی شده‌اند؟ تنوع طرح‌ها و رنگ‌های به‌کاررفته در چادرها چه ویژگی‌هایی دارد؟ ویژگی چادرها از نظر نوع استفاده در نگاره‌ها و نحوه استفاده نوع واقعی چادرها چگونه است (کاربردی یا تزیینی)؟

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های متعددی درباره چادر و چادر در نگارگری صورت گرفته‌است. در حوزه نگارگری رویکرد عمده به این آثار، تاریخی، موضوعی و یا با رویکرد اجتماعی و خلق فضاهای معماری صورت گرفته‌است. مقالاتی در خصوص چادرها در نگارگری انجام شده‌است که به مواردی از آن‌ها اشاره می‌شود. نجارپورجباری و جعفرپور در مقاله «مطالعه سبکی نقوش تذهیب چادرها و سایه‌بان‌های نگاره‌های منتخب شاهنامه شاه طهماسبی» (۱۴۰۲)، به مطالعه و بررسی عناصر نقوش تذهیب چادرها و سایه‌بان در نگاره‌های منتخب شاهنامه طهماسبی بر اساس مؤلفه‌های نوع، رنگ و ترکیب‌بندی و در نهایت سبک‌شناسی فرمالیستی نقوش تذهیب آن پرداخته‌اند. فدایی‌تهرانی و کاتب در مقاله‌ای با عنوان «خیمه‌های سلطنتی ایران و عثمانی، تأثیر- تثبیت و تداوم هنر صفوی تا قاجار» (۱۴۰۲)، به شناخت عناصر هنری خیمه‌های سلطنتی عثمانی است که نشانگر تأثیر، تثبیت و تداوم هنر ایران (صفوی- قاجار) بر هنر عثمانی را بررسی نموده‌اند. جهان‌یار و قاضی‌زاده در مقاله «معرفی و تحلیل نقوش ابنیه در نگاره‌های

منظومه یوسف و زلیخا از نسخه هفت اورنگ جامی مکتب مشهد» (۱۳۹۶)، این پژوهش با بررسی نگاره‌های هفت اورنگ جامی نقوش به‌کاررفته روی بناها را از لحاظ هماهنگی و ارتباط در نوع و نحوه قرارگیری در کنار هم در فضای کلی روی بنای هر نگاره مورد بررسی قرار دهد. تیموری‌گرده و حیدرنتاج در پژوهشی با عنوان «نظرگاه عنصر اصلی تصویر شده از باغ در نگاره‌های نمایش دهنده باغ ایرانی» (۱۳۹۳)، انواع نمایش باغ ایرانی در نگاره‌های باغ به سه دسته باغ کوشک، باغ چادر و کوشک همچون نظرگاه باغ به چشم‌اندازهای بیرونی دسته‌بندی کرده‌اند. کالیجی در پژوهش با عنوان « In Between: Architectural Drawing and Imaginative Knowledge in Islamic and Western Traditions» (۲۰۱۵)، با اشاره به زمینه‌های فلسفی گره‌ها و سایر ترسیمات هندسی معماران سنتی ایران نشان می‌دهد که چگونه این ترسیمات جایی میان واقعیت و مجاز قرار دارند. از نگاه او ترسیم در دنیای امروز دیگر این کیفیت خیال و تخیل را نداشته و تنها ابزاری برای مستندسازی شده‌است.

در ارتباط با چادر و معماری آن پژوهش‌های رنجبر و محمودی با عنوان «ریخت‌شناسی سیاه‌چادر در عشایر جنوب غرب ایران (مطالعه موردی: عشایر جنوب استان ایلام و شمال استان خوزستان)» (۱۳۹۸)، این مقاله نشان می‌دهد که تفاوت‌های فرهنگ و اجتماع در بین عشایر کوچ‌رو کرد و بختیاری چه میزان بر ریخت سیاه‌چادر تأثیرگذار بوده‌است. افشاری در مقاله «گونه‌شناسی معماری سیاه‌چادر ایل قشقائی» (۱۳۹۹)، به بررسی خصوصیات معماری کوچ پرداخته‌است. حساس در پژوهشی با عنوان «از خانه تا سیاه‌خانه جایگاه معماری در سیاه‌چادر کوچ نشینان» (۱۳۹۵)، بیان می‌کند که سیاه‌چادر، تمامی تعاریف و معانی خانه را داراست، با حداقل هزینه و با ظاهری ساده ولی کارایی بسیار بالا و ایده‌آل. پیرخضری و فلاحت در مقاله‌ای با عنوان «نقش دلالت‌های فرهنگی اجتماعی بر شکل خیمه (مطالعه موردی: سیاچادر بختیاری و آغچ اوی ترکمن)» (۱۳۹۵)، با بهره‌گیری از مفهوم نشانه‌شناسی و تطبیق دو گونه‌ی خیمه در بسترهای متفاوت، به بررسی میزان تأثیر وجه فرهنگی- اجتماعی در برابر عوامل کارکردی نظیر اقلیم، مصالح، تکنیک و نمودهای ظاهری در شکل‌گیری خیمه می‌پردازد. حساس و باردژینسکا-بوننبرگ، در پژوهش « Typology of the Black Tents Architecture between Iranian Nomad Tribes» (۲۰۲۰)، به بررسی فضای زندگی عشایری برخی قبایل ایرانی در مناطق مختلف پرداخته‌اند تا معماری و فرهنگ منحصربه‌فرد آن‌ها را نشان دهند.

در این پژوهش به چادر به‌عنوان یک پدیده‌ی معمار بررسی می‌گردد در نتیجه با اتخاذ رویکردی ترکیبی از معماری و هنر نگارگری، این پژوهش تلاش دارد با دسته‌بندی انواع چادرهای مصور در نگاره‌ها و تحلیل عناصر سازنده‌ی آن‌ها، ساختار فضایی چادرها و نحوه‌ی استقرار آن‌ها را در نگاره‌های مطراقچی، شاهنامه شاه طهماسبی و هفت اورنگ جامی بررسی شود. آن‌چه این پژوهش را از مطالعات پیشین متمایز می‌سازد، تمرکز بر روابط فضایی، جایگاه اشخاص و مقایسه‌ی میان چادرهای نگاره‌ای با چادرهای واقعی است.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع مطالعات تاریخی و با روش توصیفی- تحلیلی به بررسی آثار پرداخته شده‌است. شیوه جمع‌آوری اطلاعات اسنادی است. ابتدا با بررسی انواع چادر در نگاره به دسته‌بندی آن‌ها پرداخته می‌شود و سپس عناصر چادرها در نگارگری بررسی شده و در ادامه به بررسی و تحلیل نوع چادرهای مصور در نگاره‌های مطراقچی، شاهنامه شاه طهماسبی و هفت اورنگ جامی و مقایسه‌ی وجوه اشتراک و افتراق انواع چادر در نگارگری و چادرهای امروزی و همچنین ساختار فضایی نگاره‌های چادر و همچنین روابط فضایی و جایگاه اشخاص در نگاره‌ها پرداخته می‌شود. جامعه آماری پژوهش شامل ۲۷ نگاره با موضوع چادر و کوچ‌نشینی می‌باشد که در سده دهم هجری قمری ترسیم شده‌اند. و هر یک از آن‌ها از نظر زمانی و مکانی متفاوت‌اند. نگاره‌ها از سه کتاب هفت اورنگ جامی، شاهنامه شاه طهماسب، نصوح مطراقچی انتخاب شده‌اند (جدول ۱).

جدول ۱- جامعه آماری. منبع: (نگارندگان)

کتاب	هفت اورنگ جامی	شاهنامه شاه طهماسب	نصوح مطراقچی
تعداد	۶	۱۸	۳
بازه زمانی	سده ۱۰ هجری قمری	سده ۱۰ هجری قمری	سده ۱۰ هجری قمری
نمونه نگاره		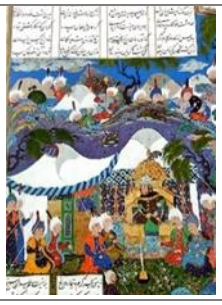	
منابع	(آژند، ۱۳۸۴؛ کریم‌اف، ۱۳۸۵)	(Canby, 2014؛ رجبی و همکاران، ۱۳۹۲؛ کری‌ولش، ۱۳۹۱)	(مطراقچی، ۱۳۷۹)

مبانی نظری

چادر

خیمه یا چادر، اتاق یا پارچه‌ای است که به‌لحاظ واژه‌شناسی از (خیم- خیام) گرفته شده و به‌گفته دهخدا «هر خانه مستدیر، سه یا چهارچوب که بر آن گیاه اندازند- سراپرده- خرگاه- سیاه‌چادر برای سفر و حضر» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۰۲). پیشینه چادر در ایران به زمان مغول‌ها باز می‌گردد علاقه ایلخانیان مغول به سکونت در مناطق سرسبز طبیعی، آنان را به برپایی سراپرده و چادر در این منطقه واداشت. این امر باعث شد که در دوره تیموریان، حتی زمانی که باغ‌ها بر اساس طرح باغ‌های گسترده ایران ساخته می‌شد، در هرات و سمرقند، حتی برای دوره استقرار دائمی در این شهرها، عنصر چادر و سراپرده در این باغ‌ها جایگزین عنصر کوشک شده و در محوطه باغ برا شود. به‌دلیل ناپایداری عنصر چادر در طول زمان، آثار کالبدی از آن‌ها به جای نمانده است (شاهچراغی، ۱۳۹۵: ۴۹). در دوره تیموری نیز چادرها و خیمه‌های فاخر رواج پیدا کرده چنان‌چه کلاویخو، جهانگرد اسپانیایی در سفرنامه خود به آن اشاره دارد و شرح کامل این چادرها را در سفرنامه‌اش آورده‌است. کلاویخو که در ۸۰۶ هـ‌ق، در دوره تیموری به سمرقند مسافرت می‌کند، در سفرنامه خود خیمه‌های آن دوره را به‌طور دقیق و با جزئیات توضیح می‌دهد و این می‌تواند بهترین مدرک از خیمه‌های آن دوره باشد. بی‌شک شبیه این نوع خیمه‌ها و چادرها می‌تواند در دوره‌های بعدی به‌ویژه در عصر صفوی مورد استفاده قرار گیرد (نجارپورجباری و جعفرپور، ۱۴۰۲). کلاویخو در سفرنامه خود آورده «چادر به شکل چهارگوش و ارتفاع آن به قدر سه نیزه بلند است. سقف این خیمه گرد و گنبدوار ساخته شده و دوازده تیر به رنگ‌های مختلف نظیر آبی، طلایی و ... آن را نگه می‌دارد. جدار داخلی یا آستر آن از پرده‌های سرخی است که بسیار خوب و زیبا بافته شده و بر آن نقش‌های گوناگون انداخته‌اند. سقف این خیمه خود آیتی از زیبایی است. در چهارگوشه آن، چهار عقاب نشسته و بال‌های خود را جمع کرده‌اند. دیوارهای بیرونی از ابریشم با رگه‌های سفید و زرد پوشیده شده‌است» (کلاویخو، ۱۳۸۴: ۸۴).

- انواع چادر

در طول دوران‌های مختلف انسان‌ها از چادر و خیمه به‌عنوان سرپناه استفاده می‌کردند که در یک دسته‌بندی کلی می‌توان چادرها شامل: (سیاه‌چادر، یورت، تیپی، چتر، ولوم، چادر بارگاه سلطنتی و چادر جمع‌شونده تکایا) را نام برد که مبدأ سه مورد سیاه چادر، یورت و چادر جمع‌شونده تکایا به ایران باز می‌گردد (جعفریان و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۳). که در ادامه به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود.

سیاه‌چادر: مبدأ بین‌النهرین، ایران، سیبری و آسیای شمالی، جنس: موی بز، ویژگی: قابلیت جمع‌شدن،

حمل، سهولت و سرعت نصب. شکل و سختار سیاه‌چادر: ستون‌های چوبی داخلی، چادر و طناب‌های پیرامونی بافته شده از موی بز (همان: ۵۳). هر سیاه‌چادر از قسمت‌ها، ابزار و عناوین مختلفی درست شده که شامل تخته، ستون، کوچیل، سرکوچیل، ریسمان، چیت، سرتیر، دستک، موک، شلمه، پاروش، میخ‌های بلند و کوتاه و میخ چوبی هستند؛ نقش مهمی در برپایی و نگهداری یک سیاه‌چادر را دارند. سیاه‌چادرها را باید طوری محکم کرد که در هنگام بارندگی و باد شدید موجب تخریب و از هم‌گسیختگی نشود (رنجبر و محمودی، ۱۳۹۸: ۱۷).

یورت: مبدأ: آسیای مرکزی، مغولستان، ایران و ترکیه، جنس: چوب، نمد، ویژگی: سهولت انتقال‌پذیری، سرعت نصب، همساز با اقلیم. شکل و سختار چادر یورت: ساختاری استوانه‌ای از قاب مشبک چوبی، سقف از گنبد قر قیزی یا مخروط مغولی، پوشش از نمد یا چرم (جعفریان و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۳). کلاویخو درباره ضیافت‌ها و جشن‌هایی می‌نویسد که در مرغزارها و بوستان‌ها در زیر سایه‌بان‌ها و در داخل یا نزدیک چادرها برگزار می‌گردید. چادر دو نوع بود: چادری که با طناب برپا می‌گردید و «یورت» یا آق اوبا، که بومی آسیای مرکزی بود. عناصر عمده آن عبارت بودند از یک دیوار مشبک تاشو، یک چرخ بام، بست‌های منحنی با و تنگ‌های چادر. برای پوشاندن این استخوان‌بندی می‌توانستند پارچه‌های مختلفی به‌کاربرند. یورت‌هایی که در مینیاتورهای دوره تیموری به تصویر کشیده شده، بسیار عالی‌تر از آن‌هایی است که متعلق به ترکمنان صحراگرد است (ویلبر و همکاران، ۱۳۷۴: ۲۴۷).

- شکل چادر

مهم‌ترین منابع مستند برای شناسایی خیمه‌های سلطنتی صفوی نسخه‌های نگارگری هستند؛ زیرا از آن‌ها نمونه کاملی در دست نیست اما بررسی آثار برجای مانده نشان می‌دهد خیمه‌های صفوی به اشکال چتری- آفتابی- سایبانی- مخروطی- گنبدی- سیاه‌چادر- دو تیرکی ساخته می‌شدند. این خیمه‌ها با توجه به شرایط اقلیمی و مدت زمان اسکان؛ تولید و از نظر ساختار و تزیین و جنس پارچه به دو دوره متفاوت تاریخی ۱۰ تا ۱۱ هـ‌ق تقسیم شده‌اند. خیمه‌های سلطنتی صفوی در ابتدای قرن ۱۰ هـ‌ق برگرفته از فرم خیمه‌های دوره تیموری است (فدایی‌تهرانی و کاتب، ۱۴۰۲: ۸۸).

در نتیجه با توجه به نگاره‌ها می‌توان گفت چادرها را می‌توان در دو گروه مخروطی‌شکل و نیم‌کره‌ای‌شکل تقسیم‌بندی کرد که گروه دوم شامل سه نوع گنبدی ساده نیم‌مخروطی، گنبدی ساده مخروطی و گنبدی پیازی شکل هستند (جدول ۲).

جدول ۲- معرفی چادر. منبع: (نگارندگان)

چادر مخروطی شکل	چادر نیم‌کره‌ای شکل		
	گنبدی ساده نیم‌مخروطی	گنبدی ساده مخروطی	گنبدی پیازی شکل
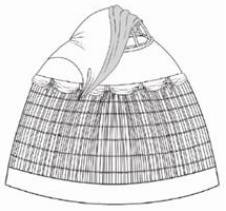			

چادر در نگارگری

منظور از نقاشی ایرانی (نگاره) تصاویری است که در فاصله سال‌های ۱۱۰۰-۷۰۰ هجری قمری خلق شده‌اند، یعنی فاصله زمانی که از حمله مغول‌ها آغاز و با پایان سلسله صفوی تمام می‌شود (نطاق و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۹۶). نگارگران به‌ویژه از دوره‌ی ایلخانی به بعد به بازنمایی فضاهای معماری و شهری در نگاره‌ها پرداخته‌اند (حسینی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۷). نقاشی ایرانی معمولاً در تصویرگری کتاب، به‌ویژه منظومه‌های حکایتی، به‌کارمی‌رفته است. منظومه‌ها حاوی داستان‌هایی است که ناگزیر در مکان و معمولاً در مکان مصنوع رخ می‌دهد. از این‌رو، نقاشی صحنه‌هایی از آن داستان‌ها نیز حاوی تصاویری از مکان مصنوع، یعنی شهر و معماری است (حیدرخانی، ۱۳۹۴: ۱۵۴). از طرفی نگاره‌ها به‌عنوان منبع تصویری برای معماری و جزئیات و عناصر آن محسوب می‌شوند.

اطلاعات موجود درباره معماری سنتی ایران به‌ویژه درباره معماری دوره‌های پیش از حکومت صفویان اندک است و آثار باقی‌مانده از آن دوران چندان نیست که به سادگی بتوان خصوصیات معماری آن را مورد بررسی قرار داد، زیرا از یک‌سو بسیاری از آثار و فضاهای معماری و شهری از بین رفته و تنها بقایای شمار اندکی از فضاها باقی‌مانده است و از سوی دیگر در منابع و متون تاریخی و ادبی کشور نیز اطلاعات چندانی درباره معماری آن دوران وجود ندارد (سلطانزاده، ۱۳۸۷: ۵). چگونگی استفاده از فضاها و اصول معماری و شهری و الگوهای رفتاری مربوط به آن‌ها نکته مهمی است که امروز از روی کالبد بناها به دشواری می‌توان برخی از آن‌ها را دریافت، درحالی‌که نگاره‌های ایرانی، یگانه منبع مهمی به‌شمار می‌آیند (جانی‌پور و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۲).

چادر که یکی از بنای سکونتی موقت مهم ایرانی است و جز آثار معماری محسوب می‌گردد به‌دلیل ماهیت موقتی بودن و ناپایداری آن در طی زمان اکنون سازه چادری که نمونه‌ای از چادرهای تاریخی باشد باقی‌نمانده در نتیجه نگاره‌ها سندی بسیار مهم برای بررسی این سازه معماری به‌حساب می‌آیند.

چادر، به‌عنوان یکی از نمونه‌های بارز و اصیل ساختارهای سکونتی موقت در فرهنگ ایرانی، نه‌تنها از منظر عملکردی واجد اهمیت بوده، بلکه از دیدگاه معماری نیز در زمره آثار ارزشمند و قابل‌تأمل قرار می‌گیرد. با این حال، به‌واسطه‌ی ماهیت ناپایدار، موقتی و آسیب‌پذیر این نوع سازه در برابر عوامل طبیعی و گذر زمان، هیچ یک از نمونه‌های اصیل و تاریخی چادرهای ایرانی به‌صورت فیزیکی و ملموس تا به امروز باقی‌نمانده‌اند. در نتیجه، مستندات تصویری و نگاره‌های تاریخی بر جای مانده از ادوار گذشته، به‌عنوان تنها منابع قابل‌اتکاء برای شناخت، تحلیل و بازسازی ویژگی‌های معمارانه‌ی این سازه‌ها، از ارزش و اهمیتی دوچندان برخوردارند.

در ادامه به بررسی انواع چادر، آلاچیق و سایبان از نظر عناصر بنیادین و شکل ظاهری آن‌ها می‌پردازیم. در این جا ذکر این نکته لازم است که تمامی مطالب، برگرفته از آن‌چه که در نگاره‌ها مشاهده شده، می‌باشد.

تصویر ۱- بررسی چادر و اجزای آن. منبع: (نگارندگان؛ canby, 2014)

تحلیل یافته‌ها

- معماری و عناصر چادرها در نگارگری

چادرها به‌طورکلی از پنج بخش تشکیل شده‌اند: گنبد، پوشش، درگاه، دیواره و ستون.

گنبد: یک سقف نیم‌دایره‌ای توخالی است که بر روی دیواره آلاچیق ساخته و متصل می‌شود و فضای درونی را بازتر و مرتفع‌تر می‌سازد. در رأس گنبد، منفذی وجود دارد که به‌صورت خطوط موازی شعاعی و منحنی از یک نقطه مرکزی منشعب شده و مانند کلاهکی بر روی سقف گنبد قرار گرفته‌است. این کلاهک بنا بر مستندات موجود برای عبور دود، تهویه هوا و ورود نور آفتاب و نوعی ساعت آفتابی تعبیه شده‌است. روی این کلاهک یک قطعه پارچه مستطیل‌شکل دیده می‌شود که به کناری زده شده و به این ترتیب دولایه بودن آن را نیز می‌توان دید. در مواردی که روی منفذ پوشیده شده، فقط یک نیمه از پارچه مستطیل شکل دیده می‌شود (تصویر ۲).

گنبد آلاچیق در نگاره دارای منفذ عبور دود با روکشی که روی آن قرار گرفته‌است.

روکش منفذ عبور دود که کاملاً روی آن را پوشانده است.

تصویر ۲- گنبد چادر با توجه به نگاره‌های ایرانی. منبع: (نگارندگان)

پوشش: پارچه‌ای است که دورتادور دیواره و گنبد کشیده می‌شود. (در چادرهای امروزی تماماً از نمد است اما در نگاره‌ها فقط در موارد جزیی جنس پوشش با قطعات نمد نشان داده شده‌است). پارچه مذکور به‌طور یکدست و یکپارچه و گاهی نیز توسط دو پارچه مجزا از یکدیگر گنبد و دیواره را پوشانده است، اما در هر صورت در قسمت اتصال گنبد و دیواره یک نوار پارچه‌ای کم‌عرض دیده می‌شود که به‌صورت چیندار به این قسمت دوخته شده‌است. این نوار، به نظر می‌رسد علاوه‌بر داشتن جنبه تزیینی، برای پوشاندن محل دوخت و اتصال پوشش گنبد و دیواره به‌کاررفته است (تصویر ۳).

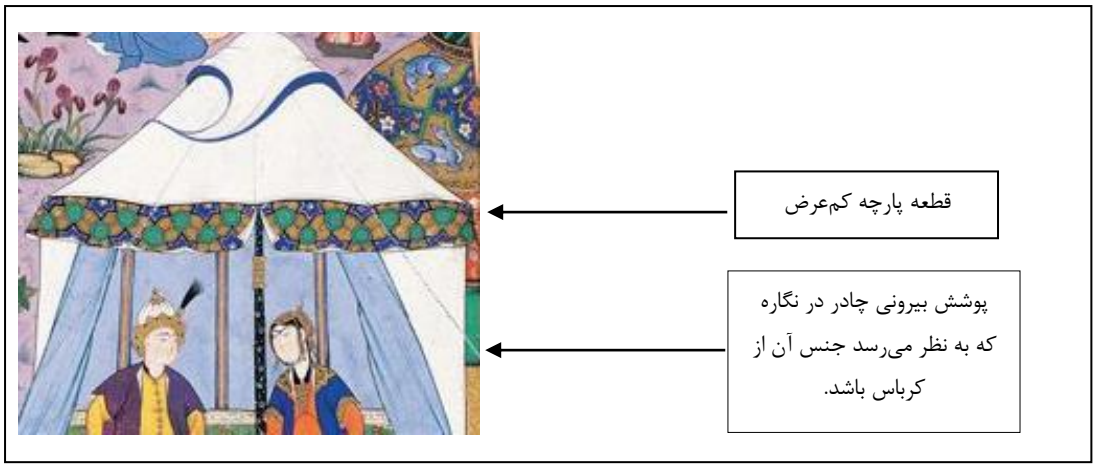

تصویر ۳- پوشش بیرونی چادر با توجه به نگاره‌های ایرانی. منبع: (نگارندگان)

با توجه به نوع خطوط به‌کاررفته در طراحی و نیز رنگ‌آمیزی پوشش چادر، به‌عنوان بدنه‌اصلی تشکیل‌دهنده آن در نگاره‌ها به جنس[۱] پارچه‌ای آن پی می‌بریم اما در مورد این که پارچه مورد استفاده از چه نوع جنسی می‌باشد؛ با مطالعه سفرنامه‌ها و بعضی از متون قدیم که اشاره به وجود چادر در دوره‌های مختلف داشته‌اند می‌توان به پاسخ آن دست یافت. با توجه به مطالعات انجام شده جنس‌های مختلفی از انواع پارچه در ساختن پوشش چادر در دوره‌های مورد بررسی وجود داشته‌اند از جمله: ابریشم زربفت، ابریشم ساده، اطلس و منسوجاتی از موی بز یا پشم شتر و نیز پنبه کرباس کتان و طراز تلفیقی از کتان و ابریشم و غیره.

به‌طورکلی، پوشش پارچه‌ای در نگاره‌ها به چند حالت دیده می‌شود:

قرارگیری پارچه به‌طور یکدست و یکپارچه روی ستون‌ها، این پوشش در قسمت لبه‌ها توسط طناب‌ها کشیده شده‌است.

دو قطعه پارچه عریض و پهن که یکی جهت سقف و دیگری برای دیواره به‌کاررفته و در هنگام اتصال در قسمت لبه سقف به دیواره، یک نوار پارچه‌ای کم‌عرض با چین‌های زیاد دوخته شده‌است که به نظر می‌رسد علاوه‌بر جنبه تزیینی برای پوشاندن محل دوخت لبه‌ای سقف به دیواره نیز مورد استفاده قرار گرفته‌است.

درگاه: در ورودی چادر که از به هم رسیدن لبه‌های عرضی به وجود آمده، از یک چارچوب مستطیل‌شکل با دو لنگه در تشکیل شده که فرم‌ها و اشکال گوناگون و متنوعی به‌خود گرفته‌است. جلوی لبه بالایی درگاه یک قطعه نوار کم‌عـرض پارچه‌ای که کوتاه‌تر از لبه‌های کناری است دیده می‌شود که گاهاً نیز با برش‌های تزیینی نمایانده شده‌است. در اغلب نگاره‌ها یک در بسته و دیگری به‌صورت کاملاً باز و یا نیمه‌باز دیده می‌شود در بعضی موارد هم، درهای درگاه کاملاً بسته شده‌اند و تزیینات بیرونی آن قابل‌مشاهده است در حالی که در حالت قبل ما شاهد تزیینات درونی درها نیز می‌باشیم، گاهی نیز با پرده پوشیده شده‌است. گاهی‌اوقات نیز یک چارچوب ساده مستطیل‌شکل بدون هیچ لنگه دری نقاشی شده‌است. در قسمت در ورودی درگاه اغلب یک پرده آویز در بالای آن مشاهده می‌شود که گاه لول شده و گاهی هم به کناری زده و با حالتی چیندار آویزان شده‌است و به این صورت فضای درونی آلاچیق قابل رؤیت است (تصویر ۴).

[۱] جنس چادرهای قدیمی از پژوهش « the tents of the Saljuqs, Durand- Guedy» استخراج شده‌است. در این پژوهش به جنس و پوشش چادرهای قدیمی اشاره شده و کارکرد آن‌ها توضیح داده شده‌است.

درگاه با یک لنگه در بسته	درگاه با دو لنگه در باز	درگاه با دولنگه در بسته	درگاه با پرده آویز

تصویر ۴- درگاه چادر با توجه به نگاره‌های ایرانی. منبع: (نگارندگان؛ canby, 2014)

دیواره:

بر خلاف چادرها که ابتدا بر اساس ستون یا ستون‌ها برپا می‌گردند، از ساخت دیواره شروع می‌شوند (در مقایسه با چادرهای خاورمیانه که بار اصلی روی ستون مرکزی بوده ولی در نمونه‌های مورد مطالعه پژوهش دیواره‌ها نیز اهمیت باربری و استحکام را دارند)[۲] در این حالت، بدنه اصلی که همان دیواره است ساخته می‌شود سپس سایر اجزاء به ترتیب اولویت روی آن قرار می‌گیرند. دیواره آلاچیق‌ها به چند شکل دیده شده‌است:

ـ نی‌های چوبی با ضخامت‌های متفاوت با فواصل معینی از یکدیگر قرار گرفته و توسط طناب‌هایی به یکدیگر وصل شده‌اند.

ـ نی‌های باریک و چوبی با ضخامت کم در کنار یکدیگر و و نزدیک به هم بوده و توسط طناب‌ها به همدیگر بافته شده‌اند که در اصطلاح به آن «چیت»، «چیق»، «چیغ» یا «تجیر» گفته می‌شود (تصویر ۵).

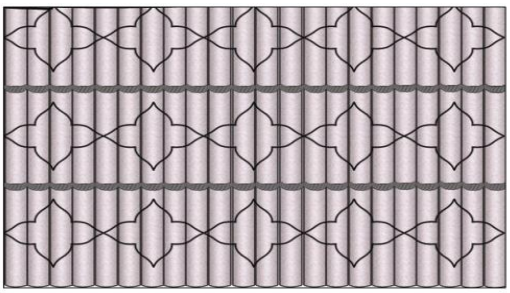

تصویر ۵- آنالیز یک چیت که هم در نگاره‌ها نقش شده و هم در چادرهای عشایری امروز وجود دارد. منبع: (نگارندگان)

ستون (دیرک، تیرک): ستون‌ها یا دیرک‌ها در واقع بر پا نگهدارنده‌های اصلی چادر هستند. با توجه به نوع چادرها ممکن است از یک، دو، چهار و یا چند ستون استفاده شده باشد.

ـ تک ستونی: یک دیرک در قسمت میانی قرار گرفته که در قسمت رأس، از یک سطح مدور میان سوراخ، عبور کرده و به این ترتیب، پوشش چادر بر روی این ستون قرار گرفته و به‌صورت شیبدار به پایین کشیده شده‌است.

- در حالت چند ستونی نیز، یک ستون اصلی و قطور در مرکز قرارگرفته که بلندتر از سایر ستون‌های دیواره است و به‌طوری‌که در نگاره‌ها نشان داده شده، اغلب روی آن تزیین شده‌است. مابقی ستون‌ها که چارچوب دیواره را تشکیل می‌دهند در میان درزی که قبلاً در پوشش چادر تعبیه و دوخته شده، قرار می‌گیرند که در نهایت باعث ایستایی و استحکام چادر می‌شوند (تصویر ۶ و ۷).

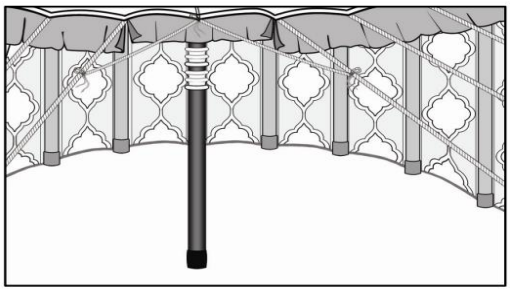

تصویر ۶- تیرک میانی چادر و ستون‌هایی که در دیواره پارچه‌ای چادر کار گذاشته شده‌اند. منبع: (نگارندگان)

[۲] با توجه به پژوهش « Nomad tent types in the Middle East, Andrew» در این پژوهش ساختار چادرهای ترلیستی و چادر با ستون مرکزی با جزئیات فنی مقایسه شده‌است.

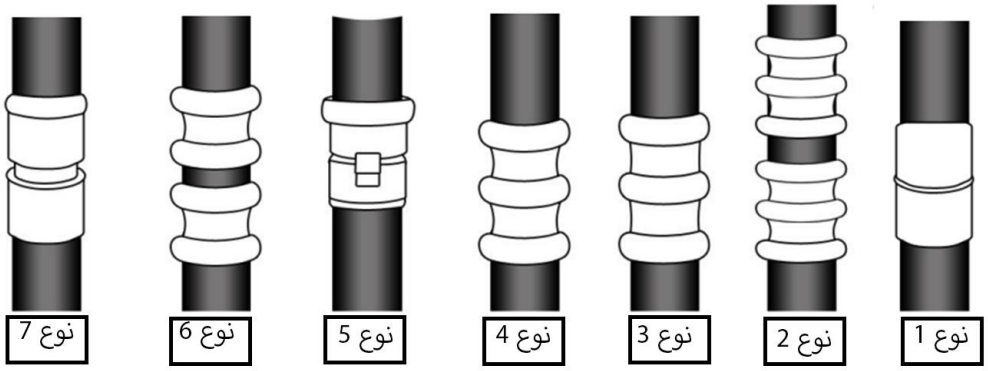

تصویر ۷- انواع اتصالات ستون‌های چادر به یکدیگر در نگاره‌ها. منبع: (نگارندگان)

طناب‌ها:

اهمیت طناب‌ها، در کشیدن پوشش چادر بر روی ستون‌ها که باعث ایجاد فضای درونی چادر می‌گردد، می‌باشد. طناب‌ها از نظر شکل ظاهری، نوع بافت و همچنین محل قرارگیری و اتصال آن‌ها به لبه‌های چادر مورد توجه هستند. طناب‌ها در واقع از رشته نخ‌های بلندی تشکیل شده‌اند که با انواع پیچش دور یکدیگر اشکال گوناگونی از نظر ظاهری به خود گرفته‌اند (تصویر ۸).

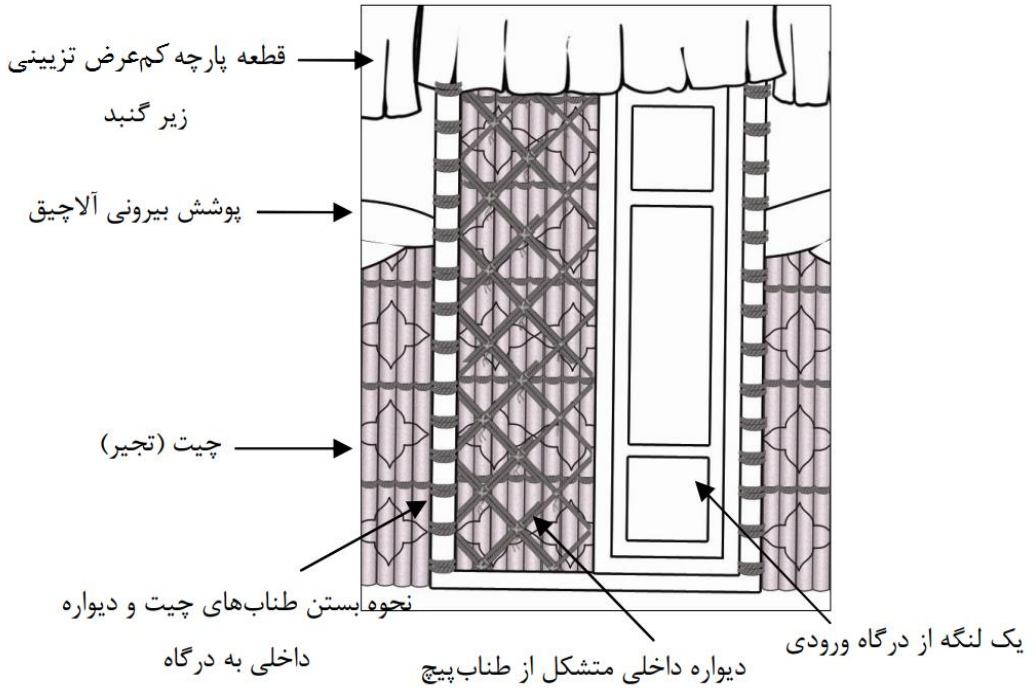

تصویر ۸- آنالیز عناصر بنیادین چادر بر اساس نگاره‌ها. منبع: (نگارندگان)

- بررسی و تحلیل نوع چادرهای مصور در نگاره‌های مطراقچی

این نگاره‌ها با عنوان مجموعه منازل، شامل قسمتی از اثر سلیمان نامه که خود قسمتی از تواریخ آل عثمان را شامل می‌شود. همان‌طور که قبلاً ذکر شده، اثر یاد شده، تفسیری مصور و منزل‌های در راه گذر لشکر سلیمان در ۹۴۰-۴۲ هجری قمری ۱۵۳۳-۳۶ میلادی از شهر استانبول به سمت غرب ایران و عراق و برگشت به شهر استانبول است (مطراقچی، ۱۳۷۹: ۱۳).

این نگاره‌ها با طراحی منحصربه‌فرد و ویژه خود، به کمک رنگ‌ها، اندازه‌ها، کوچکی و بزرگی، تصویری متناسب با خواسته‌ی نگارگر، لشکرکشی‌های سلطان و نقشه‌برداری از این مناطق به‌تصویر کشیده‌است و هدفی را که همه نقشه‌ها دنبال می‌کنند را دارا هستند. نگارگر به‌منظور توصیف هر ناحیه و شرح هر قسمت، تنها به ذکر نام محل بر روی خود نقشه اکتفاء کرده و جزییات بیشتر را که شامل تاریخ و توصیف هر چه بیشتر ناحیه است (جدول ۳).

جدول ۳- تحلیل نگاره‌های مطراقچی. منبع: (نگارندگان)

	چادر در نگاره‌های مطراقچی			نوع چادر	چادرها در نگاره‌ها
	نام منطقه	نگاره	توضیحات		
۱	سب کن اوه		۵ چادر	چادر مخروطی شکل	
				گنبدی ساده نیم‌مخروطی	
۲	سعدآباد		۵ چادر	چادر مخروطی شکل	
				گنبدی ساده نیم‌مخروطی	
۳	سرچه خان	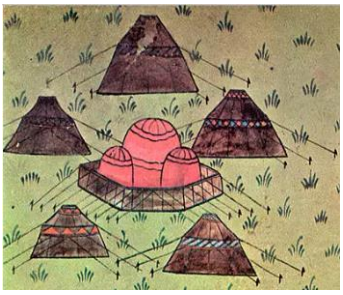		چادر مخروطی شکل	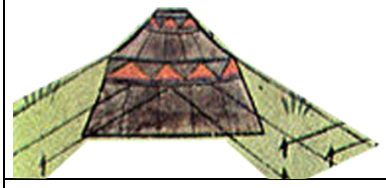
				گنبدی ساده نیم‌مخروطی	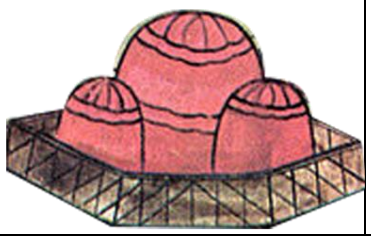

- بررسی و تحلیل نوع چادرهای در نگاره‌های شاهنامه شاه طهماسبی و هفت اورنگ جامی

شاهنامه شاه طهماسب: شاهنامه‌ای که برای طهماسب فراهم آمد طرح عظیمی بود: نسخه‌ای با ۷۴۲ برگ بزرگ (۸/۳۱×۴۷ سانتی‌متر) با حاشیه‌های راه‌راه طلایی رنگ در اطراف فضای خط‌کشی شده به ابعاد ۹/۲۶×۷/۱۷ سانتی‌متر. تذهیب‌های بی‌شمار و ۲۵۸ تصویر بزرگ، متن را زینت بخشیده‌است. با این‌که این نسخه، صفحه رقم‌زنی ندارد، یک آذین گل‌سرخی اهدایی بر آن دیده می‌شود که از آن برمی‌آید اثر را برای کتابخانه طهماسب تهیه کرده‌اند. تاریخ ساخت اثر در داخل نسخه قید نشده‌است و تنها نگاره تاری‌خدار آن نگاره «گلنار و اردشیر» با تاریخ ۹۳۴ هـ‌ق است (بلر و بلوم، ۱۳۸۵: ۵۰). شاه اسماعیل دستور ساخت این نسخه نفیس را در کتابخانه سلطنتی تبریز صادر کرد. به نظر می‌آید سقوط قدرت مذهبی او، پس از ناکامی در جنگ چالدران می‌توانسته انگیزه شاه جهت اثبات دوباره حقانیتش باشد. فرمان ساخت شاهنامه می‌تواند به‌عنوان فرصتی مناسب برای تأکید بر ادعاهای شاه اسماعیل در زمینه دلبستگی به میراث حماسی پادشاهان اساطیری ایران باشد. بررسی نگاره‌های شاهنامه نشان می‌دهد نگارگران بسیاری در اجرای نسخه مشارکت داشته‌اند. مراحل تکامل نگاره‌ها را می‌توان به سه مرحله تقسیم کرد: مرحله نخست مربوط به زمانی است که سلطان محمد به‌عنوان متولی امور هنری، همه امور را تحت‌تسلط خود داشت. به نظر می‌رسد که مرحله دوم به رهبری میرمصور انجام گرفته و مرحله سوم زیر نظر میرک صورت پذیرفته‌است (یزدانپناه، حاتم و سلطانی، ۱۳۸۹: ۷۰).

هفت اورنگ جامی: در دوره‌ی سلطنت صفویان، پس از شاهنامه طهماسبی، یکی از برجسته‌ترین و در عین حال درخشان‌ترین آثار نگارگری به‌جامانده از این دوره‌ی پررونق، هفت اورنگ ابراهیم میرزا است. هفت اورنگ ابراهیم‌میرزا یا جامی فریر، یک نسخه خطی مصور ارزشمند است که در میانه سال‌های ۱۵۵۶-۹۷۳/۱۵۶۶-۹۶۳ به‌دستور سلطان‌ابراهیم میرزاصفوی، برادرزاده‌ی شاه طهماسب و حاکم وقت خراسان، کتاب‌آرایی و خوشنویسی گردیده و هم‌اینک در نگارخانه هنر فریر واشنگتن نگه‌داری می‌شود (پاکباز، ۱۳۷۹: ۳۹). هفت اورنگ دارای ۳۰۴ برگ کاغذ کرم رنگ و حاشیه‌هایی با تشعیر طلایی است که بیست‌وهشت مجلس مصور و نیز ۹ تذهیب در سرلوح‌های آغاز و خاتمه هر مثنوی به چشم می‌آید (عظیمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۶: ۵). در ادامه نوع چادرهای در نگاره‌های شاهنامه شاه طهماسبی و هفت اورنگ جامی بررسی می‌گردد (جدول ۴).

جدول ۴- تحلیل نگاره‌های شاهنامه شاه طهماسبی و هفت اورنگ. منبع: (نگارندگان)

نگاره‌های شاهنامه شاه طهماسبی	نوع چادر			
	چادر مخروطی شکل	گنبد ساده نیم مخروطی	گنبد ساده مخروطی	گنبد پیازی شکل
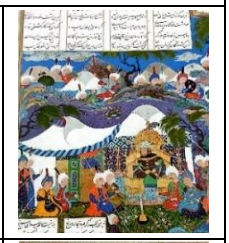		■		
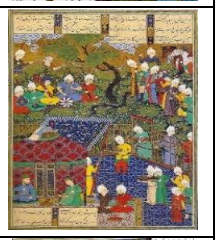				■
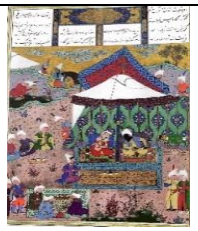 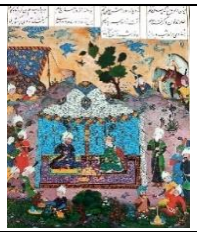		■		
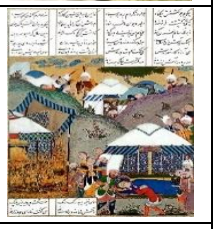 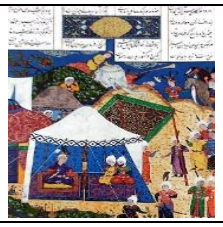		■		
نگاره‌های هفت اورنگ جامی				
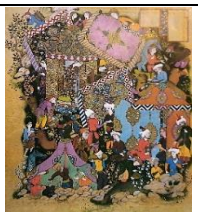	■			
		■		
				■

بررسی فرم و تزیینات نگاره‌های چادر

فرم شکلی چادرها در نگاره‌ها در دوران مختلف در اکثر موارد بسیار به یکدیگر نزدیک بوده‌است. همواره دارای تزیینات و رنگ‌های متنوعی بوده‌اند با بررسی طیف رنگی چادرها این نتیجه حاصل می‌شود که چادرهایی که دارای رنگ‌های طلایی در داخل و خارج چادر هستند برای ثروتمندان و خانواده‌های سلطنتی بوده‌است. باید به این نکته نیز اشاره کرد که چادرهایی با طیف رنگی روشن نیز نشانه‌ای از متمول بودن فرد بوده همان‌گونه که در واقعیت نیز چنین مفهومی دارد زیرا پشم سفید دارای قیمت بالاتری نسبت به رنگ‌های تیره دارد (جدول ۵).

جدول ۵- بررسی فرم و تزیینات نگاره‌های چادر. منبع: (نگارندگان)

نگاره	فرم هندسی	پالت رنگ
بررسی نگاره‌های شاه طهماسبی		
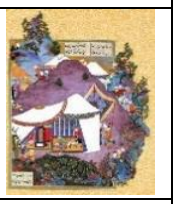	فرم هندسی استفاده شده بیضی است به‌دلیل اتصال دو چادر به یکدیگر و داشتن فاصله مرکزها از هم و دو چادر از نوع نیمه‌مخروطی ساده هستند. استفاده از طرح لوزی‌های متداخل حاشیه چادر	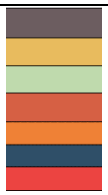
	فرم هندسی استفاده شده به‌دلیل اتصال دو چادر بیضی است. استفاده از فرم شش ضلعی برای تخت برای شاه استفاده از طرح لاله در حاشیه چادر 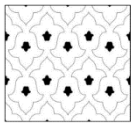	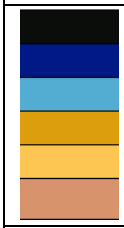
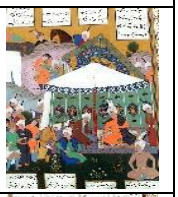	فرم هندسی نیم‌مخروطی و شکل دایره برای چادر استفاده از طرح لاله در حاشیه چادر	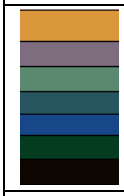
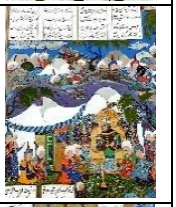	فرم هندسی استفاده شده بیضی است به‌دلیل اتصال دو چادر دو چادر از نوع نیمه‌مخروطی ساده هستند استفاده از فرم هشت‌ضلعی برای تخت برای شاه	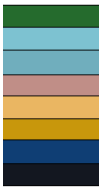
	فرم هندسی پیازی شکل و شکل دایره برای چادر استفاده شده‌است وجود طرح گره چینی بر روی چادر	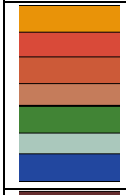
	فرم هندسی استفاده شده بیضی است به‌دلیل اتصال دو چادر دو چادر از نوع نیمه‌مخروطی ساده هستند. استفاده از طرح لاله و مربع در حاشیه چادر	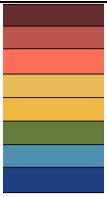

	فرم هندسی سه دایره موجود نیم‌مخروطی و گنبد پیازی است. استفاده از طرح لوزی‌های متداخل در حاشیه چادر استفاده از فرم مستطیل برای جایگاه مخصوص نقش ابر همراه با شاخه‌های مو، اوایل قرن ۱۰ هـق که مشابه آن بر روی اغلب پوشـش چادرها نقاشی شده‌است.	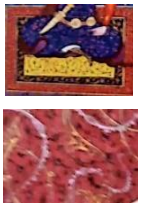	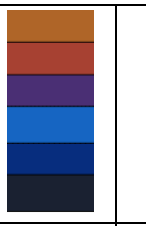
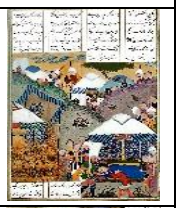	فرم هندسی نیم‌مخروطی و شکل دایره برای چادر استفاده از طرح اریب ساده در حاشیه چادر استفاده ازطرح لوزی		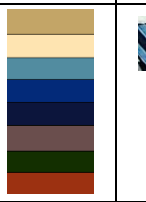
	فرم هندسی نیم‌مخروطی و شکل دایره برای چادر استفاده شده‌است نقش مرغابی بر پارچه‌ها در نگاره‌ها استفاده از فرم مستطیل برای جایگاه مخصوص		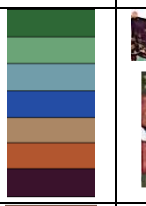
	فرم هندسی استفاده شده بیضی است به‌دلیل اتصال دو چادر، دو چادر از نوع نیمه‌مخروطی ساده هستند استفاده از طرح لوزی‌های متداخل در حاشیه چادر استفاده از فرم مستطیل برای جایگاه مخصوص		
	فرم هندسی نیم‌مخروطی و شکل دایره برای چادر استفاده شده‌است استفاده از طرح لوزی در حاشیه چادر طرح یک شمسه به‌صورت ترنج و نیم‌ترنج بر روی پوشش بیرونی گنبد در نگاره		
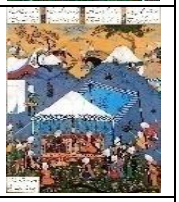	فرم هندسی نیم‌مخروطی و شکل دایره برای چادر استفاده شده‌است استفاده از طرح لوزی‌های متداخل در حاشیه چادر		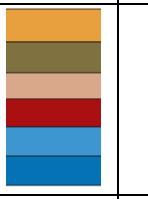
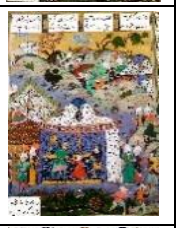	فرم هندسی نیم‌مخروطی و شکل دایره برای چادرها استفاده شده‌است در حاشیه چادر طرح لوزی‌های متداخل طرح ترنج و نیم‌ترنج بر روی پوشش بیرونی گنبد در نگاره وجود طرح گره چینی بر روی چادر		
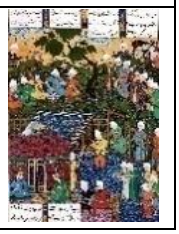	فرم هندسی نیم‌مخروطی و شکل دایره برای چادر استفاده شده‌است در حاشیه چادر نقش گرگ و سگ در حال حرکت بر روی پوشش بیرونی نقش آهو بر روی پوشش بیرونی چادر استفاده از فرم مستطیل برای جایگاه مخصوص		

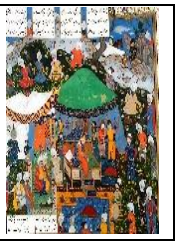	فرم هندسی استفاده شده بیضی است به‌دلیل اتصال دو چادر، دو چادر از نوع نیمه‌مخروطی ساده هستند نقش گل‌های نیلوفر بر روی پوشش حاشیه چادر در نگاره استفاده ازطرح لوزی‌های متداخل حاشیه چادر استفاده از فرم مکعب مستطیل برای جایگاه مخصوص	
	فرم هندسی نیم‌مخروطی و شکل دایره برای چادر استفاده شده‌است. از طرح گره و شمسه بر روی چادر استفاده شده‌است.	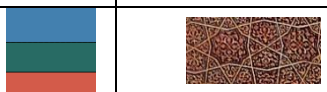
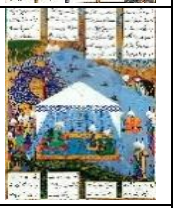	فرم هندسی نیم‌مخروطی و شکل دایره برای چادر استفاده شده‌است در حاشیه چادر طرح لوزی‌های متداخل استفاده از فرم مستطیل برای جایگاه مخصوص	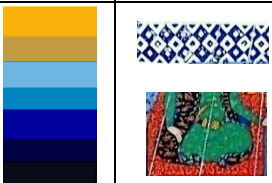
بررسی نگاره‌های هفت اورنگ جامی		
	فرم هندسی مخروطی و شکل دایره برای چادرهای این نگاره استفاده شده‌است. نقش گل‌های نیلوفر بر روی پوشش حاشیه چادر در این نگاره	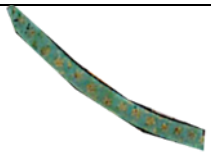
	فرم هندسی چادرها نیم‌مخروطی، مخروطی و گنبد پیازی است. شکل دایره برای چادر استفاده شده‌است چادر لاله‌های متداخل پوشش بیرونی چادر با تزیینات ترنج و سرترنج به‌صورت تکه‌دوزی و سوزن‌دوزی طرح ترنج و نیم‌ترنج بر روی پوشش بیرونی گنبد در نگاره طرح راه‌راه زیگزاکی در حاشیه	
	فرم هندسی چادرها نیم‌مخروطی و مخروطی است. نقوش انسانی (فرشتگان) بر روی پوشش داخلی چادر مصور در نگاره طرح ستاره‌های هندسی نقش اژدها و سیمرغ در نگاره	
	فرم هندسی مخروطی و شکل دایره برای چادر این نگاره استفاده شده‌است طرح ترکیبی ستاره و شش‌ضلعی استفاده از فرم مستطیل برای جایگاه مخصوص	

فرم هندسی پیازی شکل و شکل دایره برای چادر استفاده شده‌است.
طرح یک شمسه به‌صورت ترنج و نیم‌ترنج بر روی پوشش بیرونی گنبد
طرح ترنج‌های دالبری شکل متصل به هم بر روی پوشش بیرونی دیواره یک

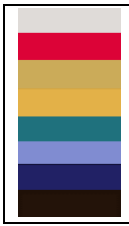

مقایسه‌ی وجوه اشتراک و افتراق انواع چادر در نگارگری و چادرهای امروزی

بررسی تطبیقی چادر در نگاره‌ها با نمونه‌های موجود امروزی چادرها چه در نگاره‌ها و چه در مواردی که امروزه واقعاً موجودند، همه دارای ساختار یکسانند و به‌طورکلی به‌عنوان سرپناهی بوده و هستند که به شیوه‌های گوناگون مورد استفاده قرار گرفته و می‌گیرند اما در این میان از نظر بعضی ویژگی‌ها دارای وجوه متمایزکننده هستند و می‌توان در یک تقسیم‌بندی کلی از نظر ساختار بنیادی و ظاهری به بررسی آن‌ها پرداخت.

از نظر شکل ظاهری در ایران امروزی کوچ‌نشینان عشایر با توجه به موقعیت جغرافیایی و نوع آب‌وهوا و ... از انواع چادر استفاده می‌کنند که هر یک دارای شکل و مشخصه ویژه‌ای بوده و از مواد و مصالح گوناگونی جهت برپایی آن‌ها استفاده می‌کنند. اما در نگارگری، چون ابزار و مواد اولیه جهت نشان دادن چادرها قلم‌مو، رنگ و ... است توانایی هنرمند و درک او شکل ظاهری چادرها را در نگاره‌ها رقم زده‌است بنابراین نمی‌توان به‌طور قاطع گفت آن‌چه که تصویر شده، همان چیزی بوده که واقعاً وجود داشته چه بسا که در واقعیت مشابه آن موجود بوده و هنرمند با الهام از آن تصویری کلی از ساختار و یا شکل ظاهری موجود را با توجه به محدودیت در ترسیم جزئیات بیشتر ارائه داده‌است. در دو جدول تطبیقی (۱) و (۲) جهت آشنایی بیشتر با وجوه اشتراک و تمایز انواع چادر سیاه‌چادرها و آلاچیق‌ها با مشابه آن‌ها در نگارگری ایران، از نظر ساختار بنیادی مطالب کلی ارائه گردیده‌است (جدول ۶).

جدول ۶- مقایسه‌ای وجوه اشتراک و افتراق انواع چادر در نگارگری و چادرهای واقعی. منبع: (نگارندگان)

عنصر بنیادین	نگارگری	چادر واقعی
پوشش[3]	جنس الیاف: پشم، موی بز و پنبه جنسیت پارچه: ابریشم، ماهوت، اطلس، تافته، کرباس و کتان نوع پارچه کاربردی: دولایه؛ دارای لایه داخلی با تزیینات بیشتر و لایه بیرونی با تزیینات کمتر قطعات تشکیل دهنده: گاهی کاملاً یکدست و گاهی دوخته شدن چند قطعه به یکدیگر	جنس الیاف: پشم، موی بز و پنبه جنس پارچه: منسوجی از موی بز، منسوجی از پشم، منسوجی از تلفیق پشم و موی بز نوع پارچه کاربردی: یک لایه با بافت زرهی و ضخیم قطعات تشکیل‌دهنده: دوخته شدن چند قطعه به یکدیگر
ستون	جنس: چوب شکل ظاهر : استوانه‌ای منظم تعداد قطعات متصل به‌هم: گاهی یک قطعه و گاهی اتصال دو یا سه قطعه به یکدیگر نحوه اتصال قطعات: توسط یک بست حلقه‌ای با اشکال گوناگون و متنوع تزیینات: استفاده از انواع نقوش تزیینی به‌ویژه شاخ و برگ‌های درهم اسلیمی محل قرارگیری: به‌طور مستقل در زیر پوشش چادر؛ قرار گرفتن در میان درزهایی که قبلاً در میان پوشش پارچه‌ای دیواره تعبیه شده	جنس: چوب شکل ظاهری: استوانه‌ای، استوانه‌ای نامنتظم تعداد قطعات متصل به‌هم: گاهی یک قطعه و گاهی اتصال دو قطعه به یکدیگر نحوه اتصال قطعات: بستن با طناب تزیینات: بدون تزیینات محل قرارگیری: به‌طور مستقل در زیر پوشش چادر

[3] the tents of the Saljuqs, Durand- Guedy

دیواره (تجیر)	جنس: پارچه، نی‌های توخالی به‌هم بافته شده ویژگی: پوشاندن دورتادور چادر؛ گاهی به‌عنوان پاراوان و دورتادور چادرهای اصلی توسط طناب‌ها برپا می‌گردد. نحوه قرارگیری: در چادرهای تابستانی به‌صورت باز؛ در چادرهای زمستانی به‌صورت کاملاً بسته	جنس: پارچه، نی‌های توخالی به‌هم بافته شده، تلفیق چوب و نمد ویژگی: پوشاندن دورتادور چادر؛ گاهی به‌عنوان پاراوان و دورتادور چادرهای اصلی توسط طناب‌ها برپا می‌گردد. نحوه قرارگیری: در چادرهای تابستانی، دیواره‌های طرفین و پشت برداشته شده و یا بالا زده و بر روی سقف تا می‌شوند؛ در چادرهای زمستانی به‌صورت کاملاً بسته فضای دورتادور بین سقف و زمین را می‌پوشاند.
طناب‌ها	جنس: پشم، پنبه، موی بز، سیم و زر انواع: پیچشی ساده، حلقه‌ای و گیس‌باف محل قرارگیری: حلقه چرمی یا طناب کوچک حلقه شده متصل به لبه، عبور از درزهای تعبیه شده در پوشش محل اتصال: لبه پوشش سقف، دیواره یا هر دو رنگ: سفید، سیاه، سبز، قرمز، زرد و قهوه‌ای	جنس: پشم، پنبه و موی بز انواع: پیچشی ساده، حلقه‌ای و گیس‌باف محل قرارگیری: حلقه چرمی یا طناب کوچک حلقه شده متصل به لبه با شیوه‌های مختلف محل اتصال: لبه پوشش سقف دیواره یا هر دو رنگ: سفید، سیاه، قرمز، زرد، قهوه‌ای (شتری)، خاکستری و خودرنگ
گنبد	جنس: پارچه شکل ظاهری سقف: ساده نیم‌مخروطی، پیازی شکل و مخروطی شکل ویژگی: دارای یک کلاهک (تاج) نیم‌کره‌ای شکل با شبکه‌های شعاعی به‌عنوان منفذ عبور دود بر روی رأس	جنس: نمد شکل ظاهری: ساده نیم‌مخروطی و مخروطی شکل ویژگی: دارای یک کلاهک (تاج) حلقه‌ای شکل صاف با شبکه‌های شعاعی به‌عنوان منفذ عبور دود بر روی رأس
درگاه	شکل ظاهری: کادر مستطیل شکل ساده، دارای دو لنگه در باز یا بسته و دارای یکی از لنگه‌های در نحوه ایجاد: قرارگیری یک کادر مستطیلی کاملاً مجزا با تزیینات یا بدون تزیینات به نشانه درگاه	شکل ظاهری: کادر مستطیل شکل ساده و دارای دو لنگه در باز یا بسته نحوه ایجاد: قرارگیری یک کادر مستطیلی چوبی کاملاً مجزا که دو سر عرضی دیواره با طناب پیچ کردن به آن متصل شده و گنبد نیز روی آن قرار گرفته‌است.
تزیینات	نوع تزیینات: هندسی، گیاهی و حیوانی نقوش تزیینی: شاخ و برگ‌های اسلیمی و ختایی، گل‌های ختایی و شاه عباسی، گل‌های چند پر ساده و پیچیده، اژدها، سیمرغ و ... نوع تزیینات: قلم‌گیری‌های متنوع و نیز ترکیب‌بندی‌های رنگی محل تزیینات: اغلب روی پوشش بیرونی، پوشش داخلی	نوع تزیینات: اغلب فاقد تزیینات ولی در بعضی موارد هندسی گیاهی و حیوانی نوع تزیینات: نمدهای منقوش، منگوله‌ها، طناب‌های منقش تزیینی، سایر وسایل تزیینی مانند خرمهره و ... محل تزیینات: اغلب روی پوشش بیرونی، فضای داخلی آلاچیق
رنگ	زمینه: قرمز، سورمه‌ای، قهوه‌ای، سفید، سیاه و بنفش تزیینات: سبز، قرمز، آبی‌روشن، سورمه‌ای، زرد، صورتی، آجری، سفید، سیاه، طلایی، قهوه‌ای و بنفش	زمینه: سفید، سیاه قهوه‌ای (شتری) و خودرنگ، در بعضی موارد کاملاً ویژه نیز زمینه پوشش قرمز است تزیینات: قرمز، قهوه‌ای، سبز، سیاه، آبی تیره و روشن

نتیجه‌گیری

کوچ‌نشینی به‌عنوان یکی از شیوه‌های زندگی متعلق به افراد طبقه خاصی از اجتماع، از قدیم‌الایام وجود داشته و تا به امروز استمرار یافته‌است. در این میان سرپناه‌های چون چادر و خیمه‌گاه که در منابع مختلف با نام‌هایی نظیر چادر، خیمه، خرگاه، خرگه، سراپرده، آلاچیق، سایبان، شادروان، شامیانه و ... شناخته می‌شود همگی به معنای مسکن قابل حمل و موقتی به‌کاررفته‌اند. این نوع سرپناه همواره به‌عنوان سرپناهی موقت و قابل جابه‌جایی در فرهنگ‌های مختلف با کارکردهای متنوع ظاهر شده‌اند و نقش مهمی در تأمین نیازهای زیستی کوچ‌نشینان ایفاء کرده‌اند. بررسی این سرپناه موقت را می‌توان از دیدگاه‌های مختلف مورد تحلیل قرار داد؛ در این پژوهش تمرکز بر روی نسخه‌های قرن دهم هجری قمری است که بازتاب‌دهنده تصویری غنی و تاریخی از این نوع سرپناه موقت است. بر این اساس نتایج ویژه‌ای حاصل شده‌است که در ادامه به‌طور اجمال بیان می‌گردد.

با توجه به مطالعه و تحلیل نگاره‌های شاهنامه شاه طهماسبی، هفت اورنگ جامی و نصوح مطراقچی که حاوی تصاویر چادرها هستند مشخص گردیده‌است که چادر به‌عنوان یکی از عناصر برجسته و مهم در تصویرپردازی‌های نگارگری دوره صفوی به‌شمار می‌رفته‌است. اهمیت و جایگاه این عنصر، موجب شده تا در قالب شیوه‌های متنوع طراحی و نقاشی، با دقت و ظرافت خاصی بازنمایی شود. موضوعات مورد بررسی درباره این عنصر تصویری شامل ساختارهای بنیادی و ظاهری چادرها، نوع تزیینات و رنگ‌بندی به‌کاررفته در دوره‌های مختلف، نحوه نمایش آن‌ها در نگاره‌ها به‌منظور تشخیص نوع کاربردی یا تزیینی آن‌ها و همچنین تحولات و تغییرات هر کدام از این چادرها در گذر زمان از منظر ویژگی‌های ذکر شده بوده‌است.

نوع تزیینات به‌کاررفته در انواع چادر شامل انواع: طرح‌های هندسی، گیاهی، حیوانی و انسانی است که در هر دوره اغلب برگرفته از نقوش پارچه، فرش، کاشی‌کاری و معماری همان دوره است. تزیینات به‌کاررفته در انواع چادرها شامل طرح‌های هندسی، گیاهی، حیوانی و انسانی می‌باشد که اغلب برگرفته از نقوش متداول پارچه، فرش، کاشی‌کاری و معماری دوره مربوطه هستند. این تزیینات علاوه‌بر زیبایی بصری، بیانگر تأثیرات فرهنگی و هنری آن دوران نیز می‌باشند. از نظر رنگ‌آمیزی نیز چادرها در چندین حالت مشخص دیده شده‌اند که عبارتند از:

- واقع‌گرایی: رنگ‌ها با الهام از محیط پیرامونی هنرمندان انتخاب شده و به‌گونه‌ای طبیعی و واقع‌گرایانه بازنمایی شده‌اند.
- نمادپردازی: رنگ‌ها با توجه به نوع نمایش تصویری با هدف انتقال مفهومی خاص و بیان مفاهیم نمادین در نگاره‌ها به‌کاررفته‌اند که معمولاً با مضمون و روایت تصویری مرتبط هستند.
- سلیقه‌ای: هنرمند با توجه به نوع ترکیب‌بندی نگاره، به سلیقه خود رنگ چادر را انتخاب و یا ابداع کرده‌است. ممکن است نوآوری یا ابداع خاصی در آن دیده شود.
- تلفیقی: در بعضی از نگاره‌ها دو شیوه واقع‌گرایی و نمادین به‌گونه‌ای ترکیب شده‌اند که ضمن حفظ ویژگی‌های هر دو، جلوه بصری منحصربه‌فردی ایجاد کرده‌اند.

با توجه به آن‌چه که از نگاره‌ها برمی‌آید، چادرها اغلب جنبه کاربردی داشته و به‌عنوان سرپناه موقت به‌کارگرفته شده‌اند، هر چند در بعضی موارد جهت تزیین و یا اشاره به یک مورد خاص از جمله برتری و مهتری فردی که چادر متعلق به اوست، نمایش داده شده‌اند و به‌صورت نمادین و با طراحی‌های خاصی نمایش داده شده‌اند. در نهایت با توجه به بررسی‌های انجام شده، می‌توان اذعان داشت که چادر و خیمه‌گاه در فرهنگ و هنر ایرانی، دارای پیشینه‌ای غنی و چند جانبه از نظر طرح، رنگ و نوع کاربرد بوده‌است که امروزه می‌توان با شناخت عناصر زیبایی‌شناسی و نیز سایر جنبه‌های کاربردی و تزیینی آن‌ها، نه تنها به درک بهتر تاریخ هنر و معماری سنتی ایران کمک کند، بلکه می‌تواند الهام‌بخش خلق ایده‌های نو و بسط و توسعه محیط‌های زیستی مدرن با قابلیت‌های کاربردی و زیبایی‌شناختی باشد.

منابع

- آژند، یعقوب. (۱۳۸۴). *مکتب نگارگری تبریز و "قزوین- مشهد"*. تهران: مؤسسه تألیف ترجمه و نشر آثار هنری متن.
- افشاری، محسن. (۱۳۹۹). گونه‌شناسی معماری سیاه چادر ایل قشقائی. *مرمت و معماری ایران*، ۱۱(۲۵)، ۷۱-۵۵.
- بلر، شیال؛ و بلوم، جاناتان. (۱۳۸۵). *هنر و معماری اسلامی*. ترجمه: اردشیر اشراقی، چاپ اول، تهران: سروش.
- پاکباز، روئین. (۱۳۷۹). *نقاشی ایران از دیرباز تا امروز*. تهران: انتشارات زرین و سیمین.
- پیرخضری، نورالدین؛ و فلاحت، محمدصادق. (۱۳۹۵). نقش دلالت‌های فرهنگی اجتماعی بر شکل خیمه (مطالعه موردی: سیاچادر بختیاری و آغچ اوی ترکمن). *هویت شهر*، ۱۱(۲۹)، ۵۲-۴۳.
- تیموری‌گرده، سعیده؛ و حیدرنتاج، وحید. (۱۳۹۳). نظرگاه عنصر اصلی تصویر شده از باغ در نگاره‌های نمایش دهنده باغ ایرانی. *باغ نظر*، ۱۱(۳۰)، ۲۶-۱۵.
- جانی‌پور، بهروز؛ محمدی، نیلوفر؛ و رضایی‌میرقاید، گلشن. (۱۳۹۹). همگرایی معماری ایرانی با هنر نگارگری. *باغ نظر*، ۱۷(۹۰)، ۹۲-۸۱.
- جعفریان، سپیده؛ سرکردهئی، الهام؛ منصفی‌پراپری، دانیال؛ و مجاهدی، محمدرضا. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر سایه‌بان غشایی سبک انعطاف‌پذیر در ایجاد آسایش حرارتی در اقلیم گرم و خشک. *معماری و شهر پایدار*، ۹(۲)، ۶۴-۴۷.
- جهان‌یار، آذر؛ الهام، و قاضی‌زاده، خشایار. (۱۳۹۶). معرفی و تحلیل نقوش ابنیه در نگاره‌های منظومه یوسف و زلیخا از نسخه هفت اورنگ جامی مکتب مشهد. *نگره*، (۴۴)، ۶۹-۵۹.
- حساس، نجمه. (۱۳۹۵). از خانه تا سیاه‌خانه جایگاه معماری در سیاه چادر کوچنشینان. *مطالعات هنر و معماری*، ۲(۴)، ۱۱۰-۱۰۱.
- حسینی، امیر؛ انصاری، حمیدرضا؛ فروتن، منوچهر؛ و فتحی، شهاب‌الدین. (۱۴۰۱). شیوه‌های بازنمایی معماری در نگارگری ایرانی: مطالعه موردی نگاره‌هایی از دوره سلجوقی، ایلخانی، تیموری و صفوی. *نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی*، ۲۷(۴)، ۳۸-۲۷.
- حیدرخانی، مریم. (۱۳۹۴). نقاشی ایرانی در مقام منبع تاریخ معماری ایران. *مطالعات معماری ایران*، (۷)، ۱۶۳-۱۵۱.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *لغتنامه دهخدا*. تهران: دانشگاه تهران.
- رجبی، محمدعلی؛ اسماعیلی، علیرضا؛ آقایی، احسان؛ و اثباتی، محمدحسن. (۱۳۹۲). *شاهنامه شاه طهماسب*. تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری متن: موزه هنرهای معاصر تهران.
- رنجبر، ناصر؛ و محمودی، مهنوش. (۱۳۹۸). ریخت‌شناسی سیاه چادر در عشایر جنوب غرب ایران (مطالعه موردی: عشایر جنوب استان ایلام و شمال استان خوزستان). *هنر و تمدن شرق*، ۸(۲۷)، ۲۶-۱۵.
- سلطانزاده، حسین. (۱۳۸۷). *فضاهای معماری و شهری در نگارگری ایرانی*. تهران: چهار طاق.
- شاهچراغی، آزاده. (۱۳۹۵). *پارادایم‌های پردیس (درآمدی بر بازشناسی و بازآفرینی باغ ایرانی)*. تهران: جهاد دانشگاهی.
- عظیمی‌نژاد، مریم؛ خواجه‌احمدعطاری، علیرضا؛ نجارپورجباری، صمد؛ و تقوی‌نژاد، بهاره. (۱۳۹۶). تحلیل ساختاری نگاره‌های هفت اورنگ جامی در کارستان هنری سلطان‌ابراهیم میرزا. *مطالعات هنر اسلامی*، (۲۷)، ۲۸-۱.
- فدایی‌تهرانی، مریم؛ و کاتب، فاطمه. (۱۴۰۲). خیمه‌های سلطنتی ایران و عثمانی، تأثیر- تثبیت و تداوم هنر صفوی تا قاجار. *فردوس هنر*، (۸)، ۱۰۵-۷۲.
- کریم‌اف، کریم. (۱۳۸۵). *سلطان محمد و مکتب او (مکتب تبریز)*. ترجمه: جهان‌پری معصومی، رحیم چرخی، تبریز: دانشگاه هنر اسلامی تبریز. سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کری‌ولش، استوارت. (۱۳۹۱). *اوج نگارگری پژوهشی در توصیف نگاره‌های شاهنامه شاه طهماسب*، به کوشش سیدکمال حاج‌سید جوادی. تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران.
- کلاویخو، روی‌دگنسالس. (۱۳۸۴). *سفرنامه کلاویخو*. مترجم: مسعود رجب‌نیا، تهران: علمی و فرهنگی.
- مطراقچی، نصوح. (۱۳۷۹). *بیان منازل*. ترجمه و تعلیق رحیم رییس‌نیا، چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.
- نجارپورجباری، صمد؛ و جعفرپور، مرضیه. (۱۴۰۲). مطالعه سبکی نقوش تذهیب چادرها و سایه‌بان‌های نگاره‌های منتخب شاهنامه شاه‌طهماسبی. *نشریه نگارینه هنر اسلامی*، ۱۰(۲۶)، ۲۰۴- ۱۸۶.
- نطاق، شمیم؛ بلالی‌اسکویی، آزیتا؛ و جمالی، یحیی. (۱۴۰۱). تطبیق ساختار نگاره‌های یوسف و زلیخا با مفاهیم قرآنی (مورد پژوهی: نگاره‌های قرن ۹ تا ۱۰ هجری). *فصلنامه نگره*، ۱۹(۷۱)، ۲۱۱-۱۹۵.

- ویلبر، دونالد؛ و گلمبک، لیزا. (۱۳۷۴). *معماری تیموری در ایران و توران*. ترجمه: کرامت‌الله افسر و محمدیوسف کیانی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- یزدانپناه، مریم؛ حاتم، غلامعلی؛ و سلطانی، سیدحسن. (۱۳۸۹). *بررسی مکتب نگارگری دوره‌ی صفوی با استفاده از نگاره‌های شاهنامه شاه طهماسب*. کتاب ماه هنر.

References

- Andrews, P. A. (1997). *Nomad tent types in the Middle East*. Wiesbaden: Otto Harrassowitz Verlag.
- Canby, Sheila. (2014). *The Shahnama of Shah Tahmasp*. The Metropolitan Mus.
- Durand-Guédy, David. (2013). *the tents of the Saljuqs, In K. Mastorides (Ed)*. txtiles and politics: Textil society of America symposium proceedings: 149-190.
- Hassa, Najmeh; Bardzinska-Bonenberg, Teresa. (2020). Typology of the Black Tents Architecture between Iranian Nomad Tribes. *Architect. Eng. Urban Plan*, 30(2), 165-183.
- Koliji, Hooman. (2015). *In Between: Architectural Drawing and Imaginative Knowledge in Islamic and Western Traditions*. VT: Ashgate, Burlington.